

دکتریحیی حساس یگانه

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

وحید اسکو

مدرس در دانشگاه غیرانتفاعی سمگان آمل

رضا داغانی

تقلب در شرکت‌ها: چه کسانی هشدار می‌دهند؟



"تقلب" یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در حسابداری و حسابرسی صورت‌های مالی و در دیگر حسابرسی‌ها مطرح می‌شود. شواهد متعددی از تلاش‌های بسیار در دستکاری فریبکارانه‌ی دفاتر حسابداری شرکت‌ها (به تعبیری، حساب‌سازی) وجود دارد. در طی سال‌های اخیر رسوایی‌هایی رایج و مرسوم شده است و می‌توان گفت دیگر به شکل انفرادی با انگیزه‌های سیاسی، مادی و با دید انتقام به آن‌ها نگاه نمی‌شود. تا جایی که مجله‌ی تایم سال ۲۰۰۲ را سال رسوایی مالی نامید. تاکنون متداول‌ترین شیوه‌ی آشکارسازی تقلب، انتشار گزارش رسوایی‌های مالی بوده است ولی گاهی اوقات معامله بر اساس اطلاعات مجرمانه به همان افشاگری‌هایی می‌انجامد که رسواسازی به آن موارد خواهد رسید. این مقاله به این موضوع می‌پردازد که چه کسانی تقلب را افشا می‌کنند و چرا؟ کدام بازیگران نقش مهم‌تری را در بازدارندگی از بروز تقلب در شرکت‌ها دارند؟ چه افرادی تقلب را فاش نمی‌کنند؟ و چه افرادی تقلب را فاش می‌سازند؟

- آورد. برای این که یک عمل به عنوان کلاهبرداری و تقلب تلقی شود باید موارد ذیل رخ دهد:
- ۱- بیان، نمایش یا افشای غلط.
 - ۲- واقعیات با اهمیتی، که شخصی را وادار به عمل نماید.
 - ۳- به قصد فریب دادن باشد.
 - ۴- اتکای توجیه پذیر، که شخص عملی را به اتکای آنچه بد ارائه شده انجام دهد.
 - ۵- آسیب یا زیانی که قربانی را رنج می دهد.

تقلب، هم به وسیله‌ی کارمندان و هم به وسیله‌ی مدیران و اشخاص برون سازمانی انجام می شود. تعجیبی ندارد، کارمندان سابق و فعلی بیش تر از همه مرتکب تقلب می شوند. برای مثال برآورد می شود ۷۵ تا ۹۰ درصد جرایم کامپیوتری را کارکنان داخلی انجام می دهند، به این علت که نیازهایشان در دسترس است، دانش، مهارت و منابع نیز در اختیارشان است، کارمندان، سامانه‌ی شرکت را به خوبی می شناسند نقاط قوت و ضعف آن را می دانند و بهتر قادر خواهند بود که از آشکارشدن فعل تقلب بگریزند و رد پاهایشان را بپوشانند [۱۱].

همگرایی در قوانین

در سال‌های اخیر، انواع قوانین و مقررات مرتبط با کشف، جلوگیری و گزارشگری تقلب در جهان تدوین شده است و سازمان‌های تدوین کننده در پی معیاری هستند که تلاش‌های صورت گرفته در کشف تقلب را یکپارچه سازند. مهم ترین قوانین با مباحثی درباره‌ی تقلب یا تخلف‌های مالی، افشاسازی، حمایت از افشاکنده‌ی و... در جهان مطرح شده در ذیل ارائه می شود:

- ۱- استرالیا، برنامه‌ی اصلاح اقتصادی حقوق شرکت‌ها (تجدید نظر حسابرس، افشای شرکتی)
- ۲- کانادا، دستورالعمل کیفی کانادا
- ۳- اتحادیه‌ی اروپا، برنامه‌ی فعالیت‌های خدمات مالی
- ۴- انگلستان و ولز، قانون بازارها و خدمات مالی (چون: حسابرسی، خدمات مالی، بنگاه‌های تجاری)، قانون تقلب و اصلاحیه‌های بعدی آن در طی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۷
- ۵- ایالات متحده: قانون (پاتریوت)، قانون رویه‌های فاسد خارجی (فساد مالی، مثل رشوه)، قانون سارینس اکسلی، هیئت استانداردهای حسابرسی، لیست استانداردهای متنوع نزدیک و بورس سهام نیوریک، استاندارد شماره ۲ هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام و قانون اقدام نسبت به تقلب و بازیابی (وجوه ناشی از تقلب). سیر تدوین تاریخی قوانین با اهمیت مرتبط با تقلب در نمایه‌ی (۱) ارائه شده است.

قانون تقلب بریتانیا، سال ۲۰۰۶، فعل تقلب را در سه بخش قرار داده است: الف) ارائه‌ی نادرست ب) قصور در افشای اطلاعات ج) سوءاستفاده از فرصت (به وجود آمده) و همچنین بر طبق بیانیه‌ی ۹۹ تقلب بر دو نوع تقسیم می شود: ۱- اختلاس در دارایی‌ها ۲- گزارشگری فریب آمیز مالی [۱۱] که در ذیل تشریح می شود:

حوادث انرون و ورلدکام در امریکا و پارمالات در ایتالیا بار دیگر نشان داد که عرصه‌ی استفاده‌های مالی بسیار گسترده تر از آن است که حسابداران می اندیشند. دامنه‌ی تقلبات و سوءاستفاده تا بدان جا رسیده است که موضوع تجدیدنظر در مبانی گزارشگری در دستور کار IFAC, ICAEW, AICPA و دیگر مجامع بین المللی حسابداری قرار گرفته است. واقعیت آن است که از زمانی که بورس‌های اوراق بهادار به عنوان مجرای اصلی بازار سرمایه شناخته شد و مورد استقبال شهروندان کشورهای مختلف قرار گرفت، نوسان‌ها و افت و خیزهای بازار سرمایه بعضاً چندان براساس روال منطقی نبوده است. سقوط ۱۹۲۹ بازار سرمایه در امریکا که دلیل اصلی آن عملکرد نادرست بازیگران بازار سرمایه بود، باعث پیدایش دیدگاه‌های جدید در مکاتب اقتصادی و سرانجام تدوین استانداردهای حسابداری شد. اما به نظر می رسد سقوط انرون، ورلد کام و پارمالات در چند سال اخیر وجه تشابه زیادی با سقوط ۱۹۲۹ ندارد. زیرا در این مورد، فارغ از بحران اقتصادی جهان شمول، "تقلب"، به عنوان عامل اصلی تهدید بازار سرمایه قلمداد می شود. این گونه موارد که پیش از این به ندرت اتفاق می افتاد به عارضه‌ای عمومی در بازار سرمایه‌ی جهانی تبدیل شده است که متأسفانه جای پای موسسات حسابرسی بزرگ هم در این تخلفات و تقلبات آشکارا دیده می شود [۱].

تقلب را کارکنان یا مدیران با همکاری افراد برون سازمانی انجام می دهند. رکود اقتصادی و البته بیش تر از آن محیط تجاری، مدیران عالی رتبه از شرکت‌ها را به بهتر جلوه دادن صورت‌های مالی به منظور جذب سرمایه‌گذاران سوق می دهد. علاوه بر آن فشار ناشی از انتظارات بازار سهام، پیش بینی‌های تحلیل گران و اهداف سودجویانه، مسئولیت دیگری را بر دوش مدیریت قرار می دهد.

مفهوم تقلب

تقلب^۱ مفاهیم قانونی وسیعی دارد اما به طور عمومی، فعلی است ارادی جهت به دست آوردن مزایای غیر منصفانه و غیر قانونی. تخلف^۲ نیز به سوءرفتاری که بر نقض قوانین، مقررات، رویه‌های داخلی سازمان و عدم توجه به انتظارات بازار از اعمال رفتار اخلاقی در تجارت اطلاق می شود. با توجه تعریف تقلب و تخلف، کلیه‌ی عملیاتی که منجر به تحلیل رفتن اعتماد شهروندی (به طور عام) و خدشه وارد شدن بر اعتبار بنگاه (به طور خاص) در جمله مفاهیم ریسک عملیاتی قرار می گیرد. براساس بیانیه‌ی شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی آمریکا، تقلب فعل یا عملی است که به ارایه‌ی نادرست با اهمیت در صورت‌های مالی مورد حسابرسی منجر می شود. البته در بریتانیا، متقلب، فردی که دارای رفتار غیر صادقانه^۳ است معرفی می شود [۲۱].

تقلب بر اساس بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران عبارتست از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه‌ی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی [۲].

تقلب یک یا تمامی ابزارهایی است که یک شخص به کار می برد تا منافع غیر منصفانه‌ای در مورد شخص دیگر به دست

اختلاس در دارایی‌ها

از اختلاس در دارایی‌ها اغلب به عنوان تقلب کارکنان یاد می‌شود، که به وسیله‌ی یک شخص یا گروهی از افراد برای کسب منافع مالی غیرمنصفانه انجام می‌شود [۱۱]. به عبارت دیگر سوءاستفاده از دارایی‌ها شامل سرقت دارایی‌های واحد مورد رسیدگی است. سوءاستفاده از دارایی‌ها می‌تواند به راه‌های گوناگون (شامل اختلاس دریافت‌ها، سرقت دارایی‌های ثابت مشهود یا نامشهود یا پرداخت وجه نقد از بابت کالا و خدماتی که دریافت نشده است) انجام شود و اغلب به منظور پنهان کردن سرقت دارایی‌ها، با سوابق یا مدارک ساختگی یا گمراه‌کننده همراه است [۲].

گزارشگری فریب آمیز مالی

گزارشگری مالی متقلبانه با تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی به عمد و به منظور فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است. گزارشگری مالی متقلبانه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- فریب‌کاری از قبیل سندسازی و دستکاری یا تغییر سوابق

حسابداری یا مدارک پشتوانه تهیه صورت‌های مالی.

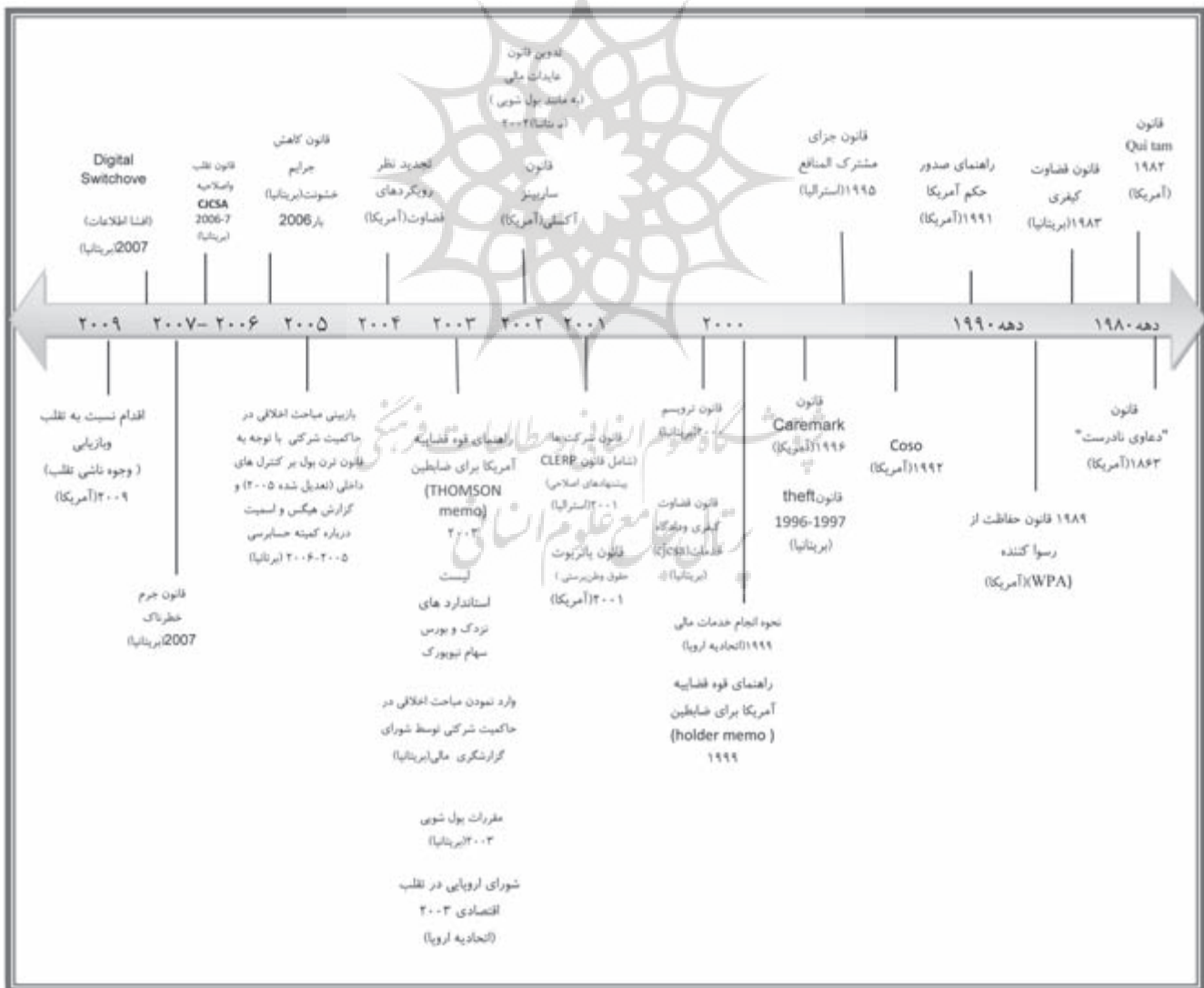
- ارائه‌ی نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات بااهمیت در صورت‌های مالی.

- به‌کارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا به‌عمد در مصادیقی به شرح ذیل: [۲]

- استفاده‌ی دوگانه از مفاهیم تحقق و تطابق در شناسایی هزینه و بدهی
- شناسایی و ثبت دستاوردهای غیر قانونی.

البته مواردی چون تضاد منافع، تبعیض، معاملات پنهانی، نادیده گرفتن قوانین تجاری و سوءاستفاده از اسرار تجاری رقبا، مخالف تشکیل (تراست) یا اتحادیه‌های بزرگ صنایع و تخلف زیست محیطی نیز از مصادیق دیگر تخلف به شمار می‌آید که کم‌تر در استانداردهای حسابرسی مورد توجه قرار گرفته، شاید علت آن این است که شناسایی آثار مستقیم یا غیر مستقیم مالی آنها، دشوار است.

مطالعه‌ی انجمن حسابداران رسمی ایالات متحده نشان



نمایه (۱) سیر تدوین قوانین مرتبط با تقلب

اجازه می‌دهد آگاهانه و عمدتاً مرتکب اعمال نادرست شوند. در نمایه‌ی (۲) مثلث تقلب و سه مثلثی دیگر که اجزای مثلث تقلب، گرایش / دلیل تراشی، انگیزه / فشار و فرصت را تشکیل می‌دهند مشاهده می‌شود. [۵، ۴، ۱۱].

می‌دهد که گزارشگری متقلبان ۱۷ برابر بیشتر از اختلاس در دارایی‌ها به وسیله‌ی کارکنان است. همچنین متوجه شدند میانگین اختلاس دارایی‌ها بسیار کوچک‌تر از میانگین گزارشگری مالی متقلبان است به این خاطر که تقلب کارکنان کوچک‌تر و مبالغ کم‌تر از تقلب‌های صورت‌های مالی است [۱۱].

کدام بازیگران نقش مهم‌تری در افشای تقلب شرکت‌ها دارند؟

تحقیق دایک و همکاران نشان می‌دهد که بازیگر خاصی در افشای تقلب نقش نداشته است. حتی با استفاده از جامع‌ترین و بهترین تفاسیر، سرمایه‌گذاران و صاحبان سرمایه تنها ۹ درصد از موارد تقلب را افشا کرده‌اند. تحلیلگران مالی و حساب‌برسان بهتر توانسته‌اند موارد تخلف را آشکار سازند (۱۴ درصد)، اما آنان به‌سختی صحنه را در اختیار دارند. بورس اوراق بهادار نیویورک تنها ۶ درصد را شناسایی کرده است، جالب این است که بازیگرانی که نقش مؤثری در سرمایه‌گذاری بازارها ندارند مانند رسانه‌ها (۱۴ درصد)، تنظیم‌کنندگان بازارهای غیر مالی (۱۶ درصد) و کارکنان (۱۹ درصد) در افشای تخلف‌ها نقش مهم‌تری داشته‌اند.

چه کسانی تقلب را فاش نمی‌سازند؟

افراد و گروه‌های زیر جزء غایب‌ها در افشای تقلب محسوب می‌شوند:

- ۱- سفته‌بازان ۲- بانک‌ها و موسسات مالی
- غایب بودن این بازیگران در ردیابی تقلب و تخلف با فرضیه «کافی»^۵ هم خوانی دارد. وی می‌گوید این بازیگران نه تعهدی دارند و نه حقی، تا افشاء تقلب را در امور خود بگنجانند [۷].

چه کسانی مرتکب تقلب مرتکب می‌شوند و چرا؟

محققان روان‌شناسی سه گروه از افراد را مورد مقایسه قرار داده‌اند: مجرمان یقه‌سفید، مجرمان خشن و عموم افراد. اگرچه تفاوت‌های آشکاری بین مجرمان خشن و مجرمان یقه سفید پیدا کردند، اما تفاوت اندکی بین عموم افراد و مجرمان یقه‌سفید یافتند. مجرمان یقه سفید در مواردی مانند تحصیلات، سن، مذهب، ازدواج، مدت استخدام و ساختارهای روانشناسی عیناً مانند افراد عادی هستند [۱۳، ۱۱].

سؤال این است که چرا افراد همه چیز (منافع فعلی و اعتبار خویش) را با تقلب به خطر می‌اندازند؟ تحقیقات نشان می‌دهد سه شرط برای وقوع تقلب نیاز است: ۱- انگیزه یا فشار، ۲- فرصت و ۳- گرایش یا دلیل تراشی. این سه مورد به عنوان مثلث تقلب مطرح می‌شوند. فشار یا انگیزه به این نکته اشاره دارد که مدیریت یا سایر کارکنان سازمان ممکن است در اثر انگیزه یا فشار خاص مرتکب تقلب شوند. شرایطی مانند نبود کنترل‌های داخلی، وجود کنترل‌های غیرموثر، یا توانایی مدیریت برای زیر پا گذاشتن کنترل‌ها، نبود سامانه‌ی ایمنی منطقی،... فرصتی برای تقلب ایجاد می‌کند. و سرانجام این که افرادی که درگیر تقلب هستند قادرند برای اعمال فریب‌آمیز خود دلیل تراشی کنند و آن را مطابق قوانین اخلاقی بدانند. در واقع برخی از افراد عقیده‌ی ویژه به ارزش‌های اخلاقی خاصی دارند که به آن‌ها



نمایه (۲)، اجزای تشکیل دهنده مثلث تقلب

نگرش‌های اساسی برای ردیابی تقلب

دو نگرش اساسی برای ردیابی تقلب وجود دارد:

نگرش الزام‌آور: برخی از افراد متعهد، که وظیفه‌ی جمع‌آوری اطلاعات را دارند ممکن است در حین کار تخلف را شناسایی کنند. این طبقه شامل حساب‌برسان و بورس اوراق بهادار است. این گروه‌ها برای کاری که انجام می‌دهند حق الزحمه دریافت می‌کنند و این دریافتی برای نتیجه‌ای نیست که حاصل می‌شود.

نگرش بازار: این نگرش، یک سیستم پاداش برای افرادی که تخلف را افشا می‌کنند فراهم می‌سازد. این تشویق‌ها می‌تواند به صورت پرداخت نقدی باشد که به افشاکننده پرداخت می‌شود و اعتباری که برای آنان حاصل می‌شود مانند تحلیل‌گران مالی که اگر کلاهبرداری را افشا کنند سابقه‌ی درخشانی برای آن‌ها محسوب می‌گردد [۶].

۱۹۸۹ قانون حفاظت از رسواکننده (WPA) را تصویب کرد. WPA یک قانون ضد انتقام و تلافی است که مانع از آن می‌شود که دولت فدرال علیه کارمندانی که تخلف بخش عمومی را رسوا می‌کنند عملی انجام دهد و همچنین شیوه‌ای برای جبران خسارت وارده به رسواگر فراهم می‌کند، به طوری که درجایی که تقلب با موفقیت مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، پاداش رسواکننده‌ی واجد شرایط، دریافت جایزه‌ای به میزان حداقل ۱۵ درصد بازیافت نهایی است. [۸] همچنین در قانون اقدام نسبت به تقلب و بازیابی (وجوه ناشی از تقلب) که در سال ۲۰۰۹ به تصویب کنگره رسید، لزوم بازگشت وجوه ناشی از تقلب به خزانه‌داری ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته است [۱۳].

معمای هشدار

افرادی که انگیزه‌های کم‌تری دارند (مانند کارکنان) در نواختن ناقوس هشدار از همه فعال‌تر هستند، در حالیکه جای تعجب است افراد دیگری که قوی‌ترین انگیزه‌ها را دارند (مانند سرمایه‌گذاران) بازیگران آرامی هستند. این معما زمانی درک می‌گردد که دیدگاه و نظر هیکس^۶ را مورد توجه قرار دهیم. او می‌گوید بازیگران با انگیزه‌ی ضعیف در به صدا درآوردن ناقوس هشدار، نسبت به بازیگران با انگیزه‌ی قوی مزیت دارند زیرا آنان دسترسی کامل‌تری به اطلاعات در مورد تخلف و تقلب دارند، بنابراین به رغم انگیزه‌ی ضعیف این بازیگران سرانجام تقلب یا تخلف‌ها را افشا می‌کنند. برعکس افراد با انگیزه‌ی ظاهراً بالا برای دستیابی به اطلاعات موثق دچار مشکل هستند. جدول (۱) نشانگر اشخاص (حقیقی - حقوقی) که تقلب شرکت‌ها را در ایالات متحده شناسایی می‌کنند و همچنین سرعت عمل و انگیزه‌های آنان برای کشف و افشای تقلب یا تخلف را نشان می‌دهد. [۶].

در مورد پاداش دادن به افشاکنندگان می‌توان به قانون qui tam در آمریکا اشاره کرد. خاستگاه‌های قانون‌گذاری در مورد رسواگری در آمریکا را می‌توان تا قانون دعای نادرست ردگیری کرد که در سال ۱۸۶۳ به منظور کاهش وقوع تقلب بین عرضه کنندگان سلاح‌های نظامی و دولت مرکزی در زمان جنگ داخلی به تصویب رسید، این قانون پرداخت درصدی از مبالغ بازیافت شده یا درصدی از خسارت تحقق نیافته به رسواکنندگان را در مواردی مجاز می‌دانست که شواهد ارائه‌شده توسط رسواکننده به افشای تقلب کمک کرده باشد. این قانون اجازه می‌داد که رسوا کنندگان به نیابت از دولت علیه افراد متهم در دادگاه شکایت کنند که در اصطلاح qui tam گفته می‌شد، وقتی چنین اقدامی ثبت می‌شود دولت مسئولیت پژوهش در مورد اتهام را به عهده می‌گیرد. چندین سال بعد اصلاحیه‌های این قانون در سال ۱۹۸۶ آن را بسیار گسترش داد و هر صنعتی را که با دولت فدرال معامله داشت تحت پوشش قرار داده بود و سرانجام کنگره در سال

جدول (یک) - کشف کنندگان تقلب، سرعت عمل و انگیزه‌های آنها

چه کسانی تقلب شرکت را شناسایی می‌کنند؟	سرعت عمل آنها چقدر است؟	انگیزه‌های افشای تخلف یا تقلب
بورس اوراق بهادار	۵/۸ درصد	اعتبار و برقراری نظم عمومی
تحلیل‌گران مالی	۱۶ درصد	بیشتر جنبه‌های مالی
حساب‌برسان	۱۴ درصد	مالی و اعتبار موسسه
سرمایه‌گذاران موقت	۱/۳ درصد	بیشتر جنبه‌های مالی
کارکنان	۱۹/۲ درصد	مالی، روانی یا تدافعی (در مقابل مدیریت)
رسانه‌ها	۱۶ درصد	مالی و بدست آوردن اعتبار
رقبای واحد تجاری	۱۳ درصد	بدست آوردن مزایای مالی، کشف اسرار رقیب و استفاده از ضعف‌های او
اتحادیه‌ها (صنایع)	۱۴/۷ درصد	اعتبار اتحادیه در منظر اعضا و عموم مردم

ردیابان تقلب، اطلاعات را از کجا به دست می آورند؟

به غیر از کارمندان، حسابرسان و تحلیل گران بازار، تمام بازیگران به شدت به افشاگری بورس اوراق بهادار متکی هستند، زیرا این وظیفه‌ی قانونی بورس است. بنابراین افشاگری مالی برای ردیابی تقلب الزامی و حیاتی است اما کافی نیست. برای شناسایی تقلب اغلب لازم است تا به اطلاعات داخل شرکت دسترسی داشته باشیم. مطالعه‌ی دایک و مورس نشان می‌دهد که تنها ۳۳ درصد از تقلب‌ها را حسابرسان شناسایی می‌کنند و تقریباً در ۵۰ درصد موارد افشاگری، کارکنان، از منابع اطلاعاتی بااهمیت، درکشف منظم تخلف یا موارد تقلب به حساب می‌آیند. ۸ درصد از تقلب‌ها نیز از طریق جمع آوری اطلاعات شخصی مسئولین یا مدیریت بنگاه که عمدتاً توسط روزنامه‌نگاران (به‌طور کلی رسانه‌ها) صورت می‌گیرد، افشا می‌شوند.

انگیزه‌ها برای نواختن ناقوس هشدار کدامند؟

برخی از بازیگران مانند حسابرسان تعهد مشخصی برای افشای موارد تخلف دارند. هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس بتواند درباره‌ی انطباق صورت‌های مالی تهیه شده، از تمام جنبه‌های بااهمیت، با استانداردهای حسابداری اظهار نظر کند. حسابرسی انجام شده طبق استانداردهای حسابرسی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که از نبود تحریف بااهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی، اطمینانی معقول به‌دست آید. اگرچه حسابرسی می‌تواند عاملی بازدارنده محسوب شود، اما مسئولیت پیشگیری از تقلب و اشتباه با حسابرس نیست و نمی‌تواند باشد [۲].

اما محرک دیگران در افشای تقلب‌ها چیست؟ در این قسمت انگیزه‌های سه گروه تحلیل گران مالی، رسانه‌ها و کارکنان در افشای تقلب، به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- تحلیل گران مالی

- از نظرگاه اطلاعاتی، تحلیل گران مالی در مکان مناسب قرار دارند، در حالی که آنان دسترسی مستقیمی به اطلاعات بنگاه ندارند.
- با وجود آن که هدف آن‌ها برای تحقیق جهت دستیابی به کلاهبرداری نیست، اما آن‌ها در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند به‌درستی تقلب را شناسایی کنند.
- از آن‌جا که تحلیل گران مالی نمایندگان سرمایه‌گذاران محسوب می‌شوند، انگیزه‌ای بسیار قوی برای افشای کلاهبرداری دارند، هر تحلیل‌گر برای تجزیه و تحلیل بنگاه، پول دریافت می‌کند و کار آن‌ها از نظر ارزش برای شرکت‌ها بسیار مهم است و شهرت خوب برای این تحلیل گران دارای اهمیت خاصی است [۹].

- رسانه‌ها

- این‌که این گزارش‌ها به اطلاع عموم می‌رسد هم می‌تواند توجه عموم را به مطبوعات جلب کند و در نتیجه باعث کاهش هزینه‌ی شناسایی تقلب در حسابداری شود و هم می‌تواند این اطمینان را در آنهایی که اطلاعات را دنبال می‌کنند به‌وجود آورد که از اطلاعات دریافتی مطمئن باشند.

مدیریت نادرست و جوه، دزدی و فروش اطلاعات درون سازمانی احتمالاً برای خوانندگان جالب است و طبیعی است مزایای بیش‌تری برای نویسنده ایجاد می‌کند [۱۰].

- روزنامه‌نگارها، مانند تحلیل گران مالی هستند به این خاطر که آن‌ها اطلاعات را جمع‌آوری و برای ارباب رجوع (خوانندگان) تجزیه و تحلیل می‌کنند. آن‌ها همچنین انگیزه‌ای برای کسب شهرتی خوب از طریق شرکت‌ها دارند تا منابع خود را افزایش دهند [۶].

- تقلب‌های حسابداری اغلب فرصت خوبی را برای مطبوعات تجاری به وجود می‌آورد تا نقش مراقبت را برعهده گیرند. مهم این است که در حقیقت مطبوعات به دنبال حداکثر کردن سود خود می‌باشند از این رو در نوشتن و یا نوشتن مقالاتی که به افشای تقلب‌های حسابداری می‌پردازند با انگیزه‌های متفاوتی روبرو می‌شوند که باید علاوه بر مزایای مالی، جنبه‌ی عمومی وقوع تخلف را در نظر بگیرند [۱۰].

- انتشار یک موضوع در مطبوعات و به‌خصوص افشای تقلب‌ها در مطبوعات اغلب پر از برخورد است (باعث ایجاد ناراحتی و دلخوری می‌شود) و در واقع همین برخوردها و درگیری‌ها اجزای تشکیل‌دهنده گزارش‌های مطبوعات هستند که موجب جذابیت بیشتر موضوع است و باعث جذب خوانندگان بیشتری می‌شوند و نتیجه آن درآمد بیشتری که عاید مطبوعات می‌گردد و نهایت این موضوع، باعث ایجاد انگیزه برای ایفای نقش نظارتی مطبوعات است [۱۰].

حال این سؤال مطرح می‌شود "که تفاوت اساسی میان روزنامه‌نگاران و تحلیل گران چیست؟" اول اینکه روزنامه‌نگارها نسبت به تحلیل گران تخصص کمی دارند و به‌صورت بالقوه دسترسی کمتری به اطلاعات شرکت دارند. دوم اینکه روزنامه‌نگارها بر اثر برملاکردن یک کلاهبرداری مزایای بیشتری را عاید خود می‌سازند، زیرا حرفه و شهرت آنها رونق می‌یابد [۶].

سؤال دیگر این است که "چرا روزنامه‌های محلی کوچک نقشی ایفا نمی‌کنند؟" در پاسخ باید گفت یکی از احتمالات این است که روزنامه‌های کوچک نمی‌توانند از روزنامه‌نگاران با ذوق و حرفه‌ای برای تحقیقات لازم برای افشای کلاهبرداری بهره‌مند شوند و قادر به پرداخت هزینه به این افراد حرفه‌ای نیستند. فرضیه‌ی دیگر این است که تنها رسانه‌های معتبر همراه با آگهی‌های گوناگون و فراوان قادر هستند تا یک مشتری بالقوه برای تبلیغات، به‌دست آورند. فشاری که از طرف انرون به فورچون^۷ وارد شد، به فرضیه‌ی دوم اعتبار می‌بخشد [۶].

- کارکنان

عوارض افشای تقلب توسط کارکنان: در ۸۲ درصد موارد زمانی که ماهیت افشاکننده فاش می‌شود وی از کار برکنار می‌شود و یا شغل خود را تحت فشار رها می‌کند و یا مسئولیت‌های او به‌طور کامل تغییر می‌کند. به‌علاوه ممکن است به شهر دیگر انتقال داده شوند مانند جیمز بریگام از افشاکنندگان موارد تخلف در شرکت زیراکس بود، وکیل وی اظهار داشت "جیمز سابقه‌ی بسیار خوبی داشت، اما او هرگز دوباره شغلی را در این شرکت آمریکایی به‌دست نیاورد" [۶].

انگیزه‌ی کارکنان برای افشای تقلب

کارایی چندانی نداشته است. تنها ۵٫۸٪ از موارد تخلف با اهمیت توسط حسابرس مسئول شناسایی شده‌اند حتی اگر ما تعریف را بزرگ‌تر کنیم و حساب‌رسان بیرونی (کسانیکه وظیفه‌ی افشای تقلب را در زمانی که آن را پیدا می‌کنند دارند) و تعدیل‌کنندگان صنعتی (کسانی که مسئول دنبال کردن تقلب‌های مالی نیستند) را مشمول آن سازیم تنها ۳۵٫۳٪ تقلب‌ها را افرادی که برای این کار استخدام شده‌اند، افشا کرده‌اند. تفسیر دیگری که از این نتایج می‌توان داشت این است که اطلاعات درباره‌ی تقلب چنان پراکنده است که انتصاب یک شخص در مقام تحلیل‌گر خیلی پر هزینه خواهد بود. زیرا پیدا کردن عوامل فوق به‌دشواری امکان‌پذیر است. تقلب را افرادی افشا می‌کنند که در حالت فعالیت معمول خود به آن پی می‌برند و نیز افرادی که تمایل فراوانی برای افشای آن دارند و برای به صدا درآوردن ناقوس هشدار، پاداش می‌گیرند (نظیر کارکنان). در بسیاری از شرایط واقعی جهان برای حساب‌رسان، تحلیل‌گران در دیگر بخش‌ها انگیزه‌های مالی وجود ندارد یا جهت افشای مبالغ بسیار پایین در اختیار آنها قرار می‌گیرد. این که تنها روزنامه‌های بسیار معتبر و تحلیل‌گران رده‌بالا میل به حضور در صحنه‌ی افشای تقلب‌ها را دارند دلالتی بر این است که مخاطرات به صدا درآوردن ناقوس تقلب‌ها زیاد است.

- کارکنان به راحتی به اطلاعات دسترسی دارند، تعداد بسیار اندکی از تقلب‌های صورت گرفته بدون قدری واکنش در میان افرادی که در شرکت مشغول هستند صورت می‌پذیرد.
- انگیزه‌های شغلی در مقابل افشای تقلب برای کارکنان خیلی قوی‌تر در مقایسه با دیگر گروه‌ها است.
- وقتی اتحادیه‌ای باشد که از حقوق کارکنان در مقابل برخورد شرکت در افشا جلوگیری کند و در ضمن بابت کاری که انجام می‌دهند پاداش دریافت کنند باعث انگیزه برای کارکنان برای افشای تقلب می‌شود مانند قانون *qui tam* و WPA در آمریکا.

نتیجه‌گیری

روشن‌ترین نتیجه‌گیری این است که در آمریکا شناسایی کلاهبرداری متکی به بازیگران گوناگون است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شکست و ناتوانی راهبری شرکت‌ها در کشورها به آسانی توسط سازمان‌های آمریکائی مانند شکایات دادخواست گروهی و یا کمیسیون بورس و اوراق بهادار حل نمی‌گردد. سیستم راهبری شرکتی متکی بر بازیگران متعددی در بازار است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند. نتیجه‌ی روشن دیگر این است که حداقل قبل از SOX نگرش "الزام‌آور" نسبت به تقلب،

منابع

- ۱- دوانی غلامحسین، فساد و گزارشگری، ماهنامه حسابدار، انجمن حسابداران خبره ایران، شماره ۱۵۹، ۱۳۸۳، صص ۲-۳.
- ۲- اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، استانداردهای حسابرسی، بخش ۲۴: مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه، در حسابرسی صورت‌های مالی، سازمان حسابرسی، تهران.
- 3- Adam Bates Global Chairman, KPMG Forensic " Fraud Risk Management Developing a Strategy for Prevention, Detection, and Response" 2006
- 4- Tiina Intal & Linh Thuy Do, " Financial Statement Fraud - Recognition of Revenue and the Auditor's Responsibility for Detecting Financial Statement - " , Accounting and Finance, Master Thesis No. 2002:53.
- ۵- اختیاری یونس، انجمنی رشید، محرومی رامین، تقلب و مسئولیت حساب‌رسان در برابر آن، از مقالات اولین سمینار منطقه‌ای مرند، ۱۴-۱۵ اسفندماه ۱۳۸۷.
- 6- Dyck Alexander, Morse Adair & Zingales Luigi, " Who Blows the Whistle on Corporate Fraud? October 2008 , University of Chicago Booth School of Business, . Working Paper No. 08-22
- 7- Coffee. John, "The Acquiescent Gatekeeper: Reputational Intermediaries, Auditor Independence and the Governance of Accounting", Columbia Law and economics, Working Paper, 2001, NO 191.
- 8-Macey Jonathan, " Getting the word out about fraud: a theoretical analysis whistle blowing and insider trading", Michigan Law Review, 2007; 105, available in www.michiganlawreview.org
- 9- Hong, Harrison, Jeffrey D.Kubik, " Analyzing the Analysts: Career Concerns and Biased Earnings Forecasts " , Journal OF Finance, VOL. 58, NO. 1, February 2003, pp. 313-51.
- 10- Miller, Gregory S., " The press watchdog for accounting fraud " , Journal of Accounting Research 44, no. 5, 2006 (December): 1001 – 1033.
- 11- Marshall B. Romney & Paul John Steinbart, " Accounting Information System", United States of American, Person Prentice Hall, Tenth Edition, 2006
- 12- "Fraud Act chapter 35 "Printed in the UK by The Stationery OYce Limited under the authority and superintendence of Carol Tullo, Controller of Her Majesty's Stationery OYce and Queen's Printer of Acts of Parliament , ELIZABETH II, 2006
- 13-"Fraud Enforcement and Recovery Act of 2009 "(FERA) Congress of the United States , US GPO, Washington , DC 20401. Passed by both the House and Senate, U.S President signed it into law in May 20, 2009
- 14- Maureen Johnson & K. M Rogers. "The Fraud Act 2006: The E-Crime Prosecutor's champion or the creator of a new inchoate offence?", University of Hertfordshire, School of Law, Hertfordshire conference , British and Irish law , 2007

1- Fraud
2- Misconduct

3- Dishonestly
4- SAS-99

5- coffee
6- Hayek's

7- Fortune